

شناسه؛ پیش‌شرط
عدالت در تخصیص
سوختهادی سلگی
روزنامه‌نگار

طرح شناسه‌دارشدن کارت‌های آزاد جایگاه‌ها در تهران اجرا شد و قرار است تا ماه‌های آینده به سراسر ایران تعمیم یابد. در جایگاه‌های مشمول، رمز ثابت ۱۱۱۱ دیگر اعتبار ندارد و هویت متقاضی با کارت بانکی و رمز یک‌بارمصرف احراز می‌شود. پس از کشیدن کارت بانکی، کدملی دارنده حساب نیز استعلام می‌شود. به گفته مدیرعامل شرکت ملی پخش، سامانه می‌تواند مشخص کند چه کسی، چه مقدار و برای کدام خودرو سوخت گرفته است. عباس باصفاء، مدیر سامانه هوشمند سوخت، نیز هدف اصلی را مدیریت تخصیص دانسته و صرفه‌جویی را هدفی ثانوی خوانده است.

این سخنان باعث شد برخی بی‌درنگ این پرسش‌ها را مطرح کنند: کسی که تاکنون با کارت جایگاه سوخت را از شبکه خارج می‌کرد، اکنون با خرید یا قرض‌گرفتن کارت‌های بانکی همان مسیر را ادامه نمی‌دهد؟ و اگر صرفه‌جویی و عدالت حاصل نشود، فلسفه طرح چیست؟ پاسخ در دو نکته نهفته است.

نخست، بدون داده، تخصیص بی‌معناست. هیچ سیاست کارآمد و عادلانه‌ای بدون پایگاه داده دقیق و به‌روز ممکن نیست. بنا بر برآوردها، سهم بزرگی از بنزین کشور، که گاه به بالای ۴۰ درصد هم می‌رسد، از دید مدیریت پنهان می‌ماند.

سیاست‌گذار که نداند سوخت به دست چه کسی و با چه خودرویی می‌رسد، نمی‌تواند سهمیه‌ای بسنجد یا اصلاحی طراحی کند. این طرح اختیار کارت آزاد را از جایگاه‌دار می‌گیرد و به مردم می‌دهد، و نتیجه‌اش نقشه‌ای شفاف‌تر از مصرف است که تا امروز وجود نداشت.

درست است که در کوتاه‌مدت ممکن است کسانی با اخذ یا خرید کارت‌های بانکی دیگران همان روش سوءاستفاده‌پیشین را در پیش بگیرند، اما تفاوت اساسی این است که اکنون هر تراکنش به یک هویت وصل است.

این امر تفاوتی اساسی در نظارت‌پذیر کردن مصرف‌کنندگان و تغییر رفتار آنها ایجاد می‌کند، اگر شخصی به این موضوع واقف شود که ردپایش ثبت می‌شود، رفتارش را تغییر می‌دهد. بازدارندگی در نظارت‌پذیری است، نه در سخت‌گیری صرف.

دوم، این طرح زیرساخت گام بعدی است. تکمیل سیاست تخصیص عادلانه مستلزم انتقال تدریجی کارت‌های سوخت به کارت‌های بانکی است. این گذار به تحولی در زیرساخت اطلاعاتی نیاز دارد و سازوکار پایه‌اش با همین طرح فراهم می‌شود.

کارت بانکی هنوز جایگزین کامل کارت سوخت نشده و سهمیه‌های اصلی برقرار است؛ پس سخن از گذاری مرحله‌ای است، نه حذف ناگهانی.

درباره آزادسازی نرخ هم باید واقع‌بین بود. بسیاری آن را نسخه ساده می‌دانند، اما ملاحظات ساختاری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اجازه چنین جراحی را نمی‌دهد. سیاست‌گذار با اجرای نرخ سوم ۱۰ هزار تومانی هم‌زمان با شناسه‌دارشدن کارت‌ها، مسیر اصلاح تدریجی قیمت را در کنار ابزارهای غیرقیمتی برگزیده است. کسانی که کنترل‌های غیرقیمتی را مذبوم می‌شمارند، از یاد می‌برند که بازار هم بر بستر هزاران قاعده و نهاد شکل می‌گیرد و «بازار خالص» بیشتر انتزاعی نظری است تا واقعیت اقتصادی.

طرح بی‌نقص نیست. اما معیار داوری باید این باشد که آیا بنیاد داده‌ای لازم برای تصمیم‌های بعدی را می‌سازد یا نه. بدون شناسه، حتی بهترین سیاست هم در تاریکی اجرا می‌شود.

از ضرورت رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری گزارش می‌دهد

شهرک‌های صنعتی در بن‌بست توسعه



چرخ تولید تنها با راه‌اندازی کارخانه‌ها نمی‌چرخد؛ پشت هر خط تولید، شبکه‌ای از زیرساخت‌ها، منابع مالی و تصمیم‌های اقتصادی قرار دارد که اختلال در هر بخش آن می‌تواند فعالیت یک بنگاه را با چالش مواجه کند. شهرک‌های صنعتی ایران که قرار بود کانون تمرکز سرمایه، اشتغال و توسعه تولید باشند، امروز خود با مجموعه‌ای از موانع زیرساختی، مالی و اداری دست‌وپنجه نرم می‌کنند. از دشواری تأمین نقدینگی و محدودیت دسترسی به منابع بانکی گرفته تا ناترازی انرژی، مشکلات ارزی و طولانی‌شدن فرآیند صدور مجوزها، همگی بر هزینه فعالیت واحدهای صنعتی افزوده‌اند. در چنین شرایطی، توسعه شهرک‌های جدید بدون تقویت امکانات شهرک‌های موجود، نمی‌تواند به‌تنهایی گره سرمایه‌گذاری صنعتی را باز کند. در این میان آنچه بیش از گذشته اهمیت یافته، حفظ ظرفیت‌های فعال، بهبود خدمات زیرساختی و فراهم کردن شرایطی است که بخش خصوصی بتواند با اطمینان بیشتری در مسیر تولید گام بردارد. **سمن** در این گزارش به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا سیاست‌گذاران می‌توانند با عبور از حمایت‌های مقطعی، شهرک‌های صنعتی را دوباره به بستری مطمئن برای سرمایه‌گذاری و رشد تولید تبدیل کنند؟

شهرک‌های صنعتی؛ توسعه روی کاغذ، تولید زیر فشار

تعداد شهرک‌ها بدون تکمیل شبکه‌های خدماتی، خطر گسترش ظرفیت‌های نیمه‌فعال را به همراه خواهد داشت.

سرمایه‌گذاری در انتظار اطمینان

با وجود مشکلات موجود، آمارها از تداوم علاقه بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری صنعتی حکایت دارد. براساس آخرین آمارهای رسمی از سوی اعلام سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، در ۱۰ ماه نخست ۱۴۰۴ تعداد ۲ هزار و ۳۸۸ قرارداد جذب سرمایه‌گذاری منعقد شد؛ رقمی که در مدت مشابه سال قبل ۲ هزار و یک قرارداد بود و از افزایش حدود ۲۰ درصدی حکایت داشت. همچنین در مرداد ۱۴۰۵، مدیرعامل این سازمان اعلام کرد حدود ۹۴ درصد سرمایه‌گذاری‌های این بخش مربوط به صنایع کوچک و متوسط است؛ صناعی که حدود ۴۵ درصد اشتغال صنعتی کشور را دربر می‌گیرند. این آمارها اهمیت حمایت هدفمند از بنگاه‌های کوچک و متوسط را نشان می‌دهد، اما انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری لزوماً به معنای راه‌اندازی واحد تولیدی نیست. تبدیل تعهدات سرمایه‌گذاری به کارخانه‌های فعال، نیازمند تأمین مالی، زیرساخت قابل‌انکا و مقررات پیش‌بینی‌پذیر است.

زیرساخت‌هایی که از توسعه عقب مانده‌اند

یکی از چالش‌های مهم شهرک‌های صنعتی، ناپایداری خدمات زیربنایی است. تأمین برق، آب، گاز، شبکه حمل‌ونقل و خدمات پشتیبان، شرط اولیه فعالیت واحدهای تولیدی به شمار می‌رود. باین‌حال، ناترازی انرژی و محدودیت منابع، فعالیت بسیاری از بنگاه‌ها را با نااطمینانی مواجه کرده است. اهمیت این موضوع تا اندازه‌ای است که سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، تأمین انرژی پایدار را از اولویت‌های سال ۱۴۰۴ اعلام کرد و برنامه‌هایی برای افزایش سهم تولید برق توسط واحدهای صنعتی در دستور کار قرار داد. توقف تولید در اثر محدودیت انرژی، علاوه بر کاهش ظرفیت عملیاتی، هزینه‌های ثابت بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد و برنامه‌ریزی برای تحویل سفارش‌ها را دشوار می‌کند. در چنین شرایطی، سرمایه‌گذار برای توسعه فعالیت خود به تضمین‌هایی فراتر از واگذاری زمین نیاز دارد. توسعه صنعتی زمانی معنا پیدا می‌کند که زیرساخت‌های ایجادشده بتوانند پاسخگوی نیاز واقعی واحدها باشند. افزایش

شهرک‌های صنعتی در ایران بخش مهمی از زیرساخت تولید و اشتغال کشور را تشکیل می‌دهند؛ مجموعه‌هایی که قرار بود با جمعیت واحدهای صنعتی، کاهش هزینه‌های استقرار و فراهم کردن خدمات مشترک، مسیر سرمایه‌گذاری را کوتاه‌تر کنند. باین‌حال، گسترش تعداد شهرک‌ها به‌تنهایی نتوانسته همه مشکلات تولید را برطرف کند. امروز مسئله اصلی، فاصله میان ظرفیت‌های ایجادشده و امکان بهره‌برداری پایدار از آنهاست. براساس آمار منتشرشده در شهریور ۱۴۰۴، بیش از ۵۲ هزار واحد صنعتی در شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور به بهره‌برداری رسیده بودند که حدود ۴۵ هزار و ۴۹۸ واحد فعال و ۶ هزار و ۵۸۹ واحد غیرفعال گزارش شدند. این ارقام نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از ظرفیت ایجادشده هنوز به تولید مستمر نرسیده است. اهمیت این مسئله زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم تعطیلی هر واحد، تنها به معنای توقف یک کارخانه نیست؛ بلکه می‌تواند به کاهش تقاضا برای مواد اولیه، بیکاری نیروی انسانی و اختلال در فعالیت تأمین‌کنندگان وابسته منجر شود. بنابراین، احیای ظرفیت‌های موجود باید در کنار ایجاد شهرک‌های جدید، به یکی

تأمین مالی؛ نخستین مانع پیش‌روی تولید

وی خاطرنشان کرد: تقویت زیرساخت‌های صنعتی یکی از پیش‌شرط‌های ایجاد محیط مناسب برای فعالیت اقتصادی است و بدون توجه به این موضوع، نمی‌توان انتظار داشت شهرک‌های صنعتی نقش مطلوب خود را در توسعه تولید و جذب سرمایه‌گذاری ایفا کنند. نایب‌رئیس اتاق ایران با بیان اینکه استمرار فعالیت بنگاه‌ها به فراهم بودن خدمات مناسب وابسته است، بر ضرورت توجه بیشتر به نیازهای زیرساختی شهرک‌های صنعتی تأکید کرد و افزود: سیاست‌های حمایتی باید به‌گونه‌ای دنبال شوند که واحدهای تولیدی بتوانند از امکانات و خدمات موردنیاز خود برخوردار باشند. پیرموند همچنین نقش شرکت‌های خدماتی را در مدیریت شهرک‌های صنعتی مهم دانست و گفت: استفاده از ظرفیت این شرکت‌ها و تشکلهای بخش خصوصی می‌تواند در شناسایی و پیگیری مشکلات واحدهای تولیدی مؤثر باشد. ازاین‌رو، تقویت همکاری میان بخش خصوصی و دستگاه‌های اجرایی باید در برنامه‌های مربوط به مدیریت شهرک‌ها مورد توجه قرار گیرد.

وی با اشاره به ضرورت ارتقای کیفیت خدمات در شهرک‌های صنعتی ادامه داد: بهسازی زیرساخت‌ها و بهبود شیوه مدیریت این مجموعه‌ها باید در کنار تسهیل فعالیت بنگاه‌ها دنبال شود تا شرایط مناسب‌تری برای استمرار تولید و توسعه سرمایه‌گذاری فراهم شود.

مجوزهای طولانی؛ مانع گسترش سرمایه‌گذاری

نایب‌رئیس اتاق ایران در بخش دیگری از سخنان خود، بر ضرورت تسریع در صدور مجوزهای مربوط به ایجاد و توسعه شهرک‌های صنعتی خصوصی تأکید کرد و گفت: طولانی‌شدن فرآیندهای اداری و تعدد مراحل اخذ مجوز، می‌تواند روند سرمایه‌گذاری را کند کند. بنابراین، نهادهای مسئول باید با هماهنگی بیشتر و اتخاذ رویکردی تسهیلگرانه، مسیر فعالیت سرمایه‌گذاران را هموار کنند. پیرموند با اشاره به ظرفیت بخش خصوصی در توسعه شهرک‌های صنعتی افزود: شهرک‌های صنعتی خصوصی می‌توانند در گسترش فعالیت‌های تولیدی و فراهم کردن بستر سرمایه‌گذاری نقش داشته باشند، اما استفاده از این ظرفیت نیازمند تسهیل

فرآیندهای قانونی و اداری است. وی خاطرنشان کرد: تسریع در بررسی درخواست‌ها و صدور مجوزهای موردنیاز، از موضوعاتی است که باید با جدیت دنبال شود.



تعدد مراحل اداری نباید به عاملی برای کند شدن فعالیت سرمایه‌گذاران و تأخیر در اجرای برنامه‌های توسعه صنعتی تبدیل شود. نایب‌رئیس اتاق ایران با بیان اینکه هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی از الزامات بهبود فضای کسب‌وکار است، افزود: اصلاح فرآیندهای اداری و تقویت همکاری‌های مشترک می‌تواند زمینه مناسب‌تری برای فعالیت بنگاه‌ها و توسعه شهرک‌های صنعتی فراهم کند. پیرموند همچنین بر ضرورت ارتقای حکمرانی در حوزه شهرک‌های صنعتی تأکید کرد و گفت: بهبود عملکرد این مجموعه‌ها نیازمند همکاری مؤثر میان دستگاه‌های اجرایی، شرکت‌های خدماتی و تشکلهای بخش خصوصی است. در این مسیر، باید از ظرفیت مجموعه‌های فعال در شهرک‌ها برای شناسایی و رفع مشکلات استفاده شود.

وی ادامه داد: پایش مستمر عملکرد شهرک‌های صنعتی، از اقدامات ضروری برای بهبود فضای کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری واحدهای تولیدی است. بررسی مداوم شرایط فعالیت بنگاه‌ها و توجه به مسائل اجرایی آنها می‌تواند به تصمیم‌گیری مناسب‌تر در حوزه حمایت از تولید کمک کند.

نایب‌رئیس اتاق ایران در پایان گفت: تأمین مالی بنگاه‌ها، اصلاح مقررات مرتبط با تعهدات ارزی، تکمیل زیرساخت‌های ضروری و تسریع در صدور مجوز شهرک‌های صنعتی خصوصی باید در چارچوب رویکردی هماهنگ دنبال شود. همچنین استفاده از توان شرکت‌های خدماتی و تشکلهای بخش خصوصی، همراه با بهبود حکمرانی و نظارت مستمر بر عملکرد شهرک‌ها، می‌تواند زمینه بهبود شرایط فعالیت واحدهای تولیدی و افزایش بهره‌وری را فراهم کند.

سخن پایانی

و تسهیل صدور مجوزها زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسد که با اصلاح شیوه مدیریت و ارتقای کیفیت خدمات همراه شود. شهرک‌های صنعتی باید از مجموعه‌هایی صرفاً متکی بر واگذاری زمین، به مراکزی برای پشتیبانی واقعی از تولید و سرمایه‌گذاری تبدیل شوند. در این مسیر، حفظ واحدهای فعال، احیای ظرفیت‌های راکد و ایجاد اطمینان برای سرمایه‌گذاران باید بر اقدامات نمایشی و تصمیم‌های کوتاه‌مدت اولویت داشته باشد. آنچه امروز صنعت ایران نیاز دارد، نه انباشت وعده‌های حمایتی، بلکه اجرای تصمیم‌هایی است که آثار آن در کاهش هزینه تولید، افزایش بهره‌وری و استمرار فعالیت بنگاه‌ها دیده شود.

بنا بر این گزارش و به اعتقاد کارشناسان، آینده شهرک‌های صنعتی ایران بیش از آنکه به افزایش تعداد واحدها و گسترش محدوددهای صنعتی وابسته باشد، به توان سیاست‌گذاران در رفع موانع موجود گره خورده است. واقعیت آن است که تولیدکننده برای ادامه فعالیت، پیش از هر چیز به زیرساخت پایدار، منابع مالی قابل‌دسترس و مقررات روشن نیاز دارد. در شرایطی که ناترازی انرژی، دشواری تأمین نقدینگی و پیچیدگی فرآیندهای اداری بر فعالیت بنگاه‌ها سایه انداخته، توسعه شهرک‌های جدید بدون توجه به ظرفیت‌های موجود نمی‌تواند پاسخگوی نیاز صنعت باشد. از سوی دیگر، تقویت نقش بخش خصوصی



استمرار فعالیت
واحدهای
تولیدی و توسعه
سرمایه‌گذاری‌ها
نیازمند
دسترسی
آسان‌تر و
سریع‌تر
بنگاه‌هاست



شهرک صنعتی
زمانی بستر
مناسبی برای
سرمایه‌گذاری
است که
زیرساخت‌های
پایدار داشته
باشد